



# پیام سیاسی

سال چهارم، شماره ۲۲

نشریه سیاسی - تئوریک سازمان ۱۹ بهمن

تیر ۱۳۹۳

سرمقاله

## "داعش" نمونه‌ای دیگر از ابزار ضد خلقی امپریالیسم!

گرامی باد خاطره‌ی رفیق احمد ذبیرم!

تاریخ شهادت: ۲۸ مرداد ۱۳۵۱

تحولات ارتجاعی هفته‌های اخیر در عراق یکبار دیگر این واقعیت را که بازتقسیم امپریالیستی هم‌چنان بی‌وقفه ادامه دارد و بنیادگرائی اسلامی جز ابزاری در همین راستا، چیز دیگری نیست را به عینه نشان می‌دهد.

ادامه در صفحه ۲

## تنش گسترده در عراق و پی‌گیری نقشه خاورمیانه بزرگ!

چند وقتی‌ست که بر ناهنجاری‌ها و بر بی‌قاعدگی‌های سیاسی عراق افزوده شده است. دلیل اصلی آن به سیاست‌های چپاول‌گرایانه‌ی سرمایه‌داران بین‌المللی بر می‌گردد. طعم دموکراسی "اعطاء" شده‌ی دهه‌ی گذشته از مشام میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش دریند، از بین نهرفته است که اخیراً جامعه‌ی عراق شاهد عروج دسته‌جات مسلح و جانی دولت اسلامی عراق و شام، موسوم به "داعش" بوده است.

ادامه در صفحه ۵

ایدئولوژی فرمانروایان روسیه در سال ۱۹۹۵؛ شرب‌گرایان و اُروآسیائی‌ها (قسمت سوم)

## مطالب این شماره:

★ "داعش" نمونه‌ای دیگر از ابزار ضد خلقی امپریالیسم!

★ تنش گسترده در عراق و پی‌گیری نقشه خاورمیانه بزرگ!

★ ایدئولوژی فرمانروایان روسیه در سال ۱۹۹۵:

غرب‌گرایان واروآسیائی‌ها (قسمت سوم)

بخشی از یادداشت مترجم: روند عینی حرکت و توسعه‌ی سرمایه‌داری امپریالیستی روسیه طی این مدت به خوبی بیانگر صحت برخی نظرات مطروحه در این نوشتار است و ما می‌بینیم که فرمانروایان آن نه تنها در نظر، بلکه عملن در راستای ایجاد یک اتحادیه‌ی اروآسیائی گام برمی‌دارند و تا حدودی نیز موفق به انجام آن گشته‌اند. ضمن این که، اساسن یکی از کشمکش‌های روسیه با اتحادیه‌ی اروپا و آمریکا که مخالف سرسخت این امر هستند، بر سر همین موضوع می‌باشد و آخرین نمونه‌ی این رویارویی پنهان و آشکار نیز مورد اوکراین است که خود یک وزنه و پایه‌ی مهم برای روسیه در تشکیل چنین اتحادیه‌ای می‌باشد. در این ایام، اوکراین برای دومین بار دستخوش "انقلاب مخملین" توسط امپریالیست‌های غربی گشته است. هدف، کشاندن اوکراین به طرف اتحادیه‌ی اروپا و هرچه بیش‌تر محدود و محصور نمودن توان سیاسی و اقتصادی روسیه به‌مثابه رقیبی که از توانانی نظامی - هسته‌ای بالایی برخوردار است، می‌باشد.

ادامه در صفحه ۷

## "داعشی" نفوذهای دیگر از ابزار ضددخالتی امپریالیسم!

اکثر جمعیت ایران شیعه هستند، بنابراین سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا، حکومت را در اختیار مزدوران شیعه‌شان قرار می‌دهند؛ مضاف این که در میان مردمان سنی‌مذهب ایران نیز گروه‌های مزدور خویش را سازمان می‌دهند.

در افغانستان و در میان قوم پشتون که سنی‌مذهب نیز هستند، حزب اسلامی افغانستان را به رهبری گلبدین حکمت‌یار ایجاد می‌کنند، البته با امکانات دولت‌های سنی‌مذهب پاکستان، عربستان سعودی و شیخ‌نشین‌های منطقه‌ی خلیج فارس و در میان قوم هزاره که شیعه‌مذهب هستند، حزب وحدت اسلامی به رهبری عبدالعلی مزاری را سازمان می‌دهند و این جا نیز از امکانات دولت شیعه‌مذهب حاکم بر ایران استفاده می‌کنند. اما دولت دست‌نشانده در افغانستان ضرورتاً باید سنی‌مذهب باشد زیرا که اکثریت جمعیت افغانستان سنی هستند.

در عراق نیز به خاطر اکثریت شیعه‌مذهب، با استفاده از امکانات رژیم شیعه‌مذهب حاکم بر ایران، حزب‌الدعوه شیعه‌مذهب را به رهبری نوری المالکی حاکم می‌سازند.

در رابطه با سوریه، به دلیل منافع و دخالت آشکار امپریالیسم روسیه، سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا، پس از عقب‌نشینی و انصراف از طرح سرنگونی رژیم حاکم بر سوریه، گروه داعش (دولت اسلامی عراق و شام) یا (ISIS) را در نیمه‌ی دوم سال ۲۰۱۳ سازمان می‌دهند تا با توسل به ابزاری جدید و با اتخاذ تاکتیک‌هایی جدید، مجدداً با تحت فشار قرار دادن رژیم ضددخالتی بشار اسد در سوریه، در واقع به منافع امپریالیسم رقیب یعنی ↓

سلطه‌ی کامل بر منابع نفت و گاز خاورمیانه و آسیای میانه و بردن سهمی بیش‌تر از رقبا در غارت این خوان یغما، سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا را بر آن داشت که با ایجاد بنیادگرائی اسلامی و سازمان‌دهی جریانات بنیادگرای اسلامی، رژیم‌های حاکم بر این منطقه را با رژیم‌هایی با پوشش اسلامی جای‌گزین نمایند.

در اولین اقدام، یک رژیم دست‌نشانده در قالب جمهوری اسلامی، در ایران حاکم ساختند و سپس با لشگرکشی و استفاده از امکانات همین رژیم دست‌نشانده، رژیم‌هایی با عناوین اسلامی به افغانستان و عراق نیز تحمیل کردند.

امپریالیست‌ها در کشورهای تحت سلطه با مسلط نمودن اقوامی بر اقوام دیگر، تضادها و تخاصمات بسیاری را بین این اقوام ایجاد و تشدید می‌نمایند تا که در واقع زمینه را نه تنها برای تضعیف نمودن و تسلط بر این اقوام هموار کرده باشند، بلکه در عین حال شرایط را برای جنگ افروزی، که همیشه ابزار مناسبی هم برای برون رفت نظام سرمایه‌داری از بحران‌های ژرف اقتصادی درونی خویش و هم جهت انحراف افکار عمومی مردم کشورهای غربی بوده است، مهیا نمایند.

از آن جایی که طبقات حاکم بر اساس سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن از ازمه‌ی قدیم، مسلمانان این منطقه را به دو گروه بزرگ شیعه و سنی تقسیم

کرده‌اند، دولت‌های امپریالیستی نیز در راستای سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن، مزدوران‌شان را در این مناطق نفت‌خیز و مسلمان‌نشین، از میان هر دو گروه انتخاب می‌کنند و به عبارتی تمام تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد نمی‌گذارند!



در عین حال گروه‌ها و دسته‌جات مرتجع و مزدور دیگری مانند "جماعت انصار الاسلام"، "طریقت نقشبندی"، "جیش المجاهدین"، "ارتش اسلامی عراق" و ... در مناطق سنی عراق وجود دارند که با "داعش" همکاری و رقابت دارند. در واقع برخی از این گروه‌ها با هدف کلی اعلام شده از سوی گروه داعش یعنی برقراری خلافت اسلامی موافق هستند، ولی با ادعای خلافت توسط رهبران داعش مخالف‌اند.

رسانه‌های امپریالیستی با اعلام این که این گروه از القاعده جدا شده است، سعی می‌کنند این گروه را از بی‌آبرویی و بی‌اعتباری القاعده که خود الزامن چنین نقشی بدان داده‌اند، دور نگه دارند، در حالی که گروه "داعش" گرچه تحت نامی دیگر، اما در واقع ماهیتن همان القاعده است که ساخته و پرداخته‌ی دست امپریالیست‌ها می‌باشد.

رسانه‌های امپریالیستی همین شیوه را در افغانستان نیز به کار برده بودند. آن‌ها اعلام کردند حزب اسلامی افغانستان به رهبری ملا محمد عمر از حزب اسلامی افغانستان به رهبری گلبدین حکمت‌یار جدا شده است که در واقع این طور نبود.

بنابراین، عدم موضع‌گیری قاطع دولت‌های آمریکا و انگلستان در برابر "داعش"، دقیقاً به این دلیل است که این جریان مرتجع و مزدور به عنوان ابزار جدید ضدخلقی امپریالیسم آمریکا در عراق و سوریه جهت پیش‌بردن سیاست‌های آنان به میدان آورده شده است.

برای نمونه، باراک اوباما اعلام نمود که: "تا وقتی چاره‌اندیشی مناسبی وجود نداشته باشد، هرگز در عراق و منطقه آرامش برقرار نخواهد شد." یعنی مادامی که رقبای اروپائی و روسی از منافع خود در منطقه چشم‌پوشی نکنند و منافع سرشار این منطقه را فقط در اختیار سرمایه‌های آمریکائی قرار ندهند، دولت امپریالیستی آمریکا به جنگ‌افروزی در این منطقه ادامه ↓

روسیه تعرض نمایند و این خود، با توجه به آنچه که در افغانستان، عراق، لیبی، اوکراین و ... می‌گذرد، به روشنی گویای تداوم بازتقسیم امپریالیستی می‌باشد.

در همین راستا، "داعش" مؤظف می‌گردد تا "خط لوله‌ی نفتی کرکوک عراق به بانیاس سوریه را تخریب کند، ولی خط لوله‌ی نفتی جبهان ترکیه را که نفت شمال عراق را به اسرائیل منتقل می‌کند هم‌چنان دست نخورده رها سازد" (دکتر موفق محادین: کارتل‌های نفتی، "خلافت اسلامی" و قومیت عربی در عراق).

به گزارش دیدبان حقوق بشر سوریه، مزدوران داعش روز پنج‌شنبه ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۴ در حمله‌ای برای تسخیر یک میدان گاز در استان حمص ۱۱۵ نفر را می‌کشند. این حمله، "بزرگ‌ترین" عملیات داعش تا این تاریخ برعلیه نیروهای دولتی سوریه بوده است.

این گروه مرتجع، روز ۲۴ همین ماه اعلام نمود که پادگان نظامی "رقه" یکی از بزرگ‌ترین پادگان‌ها در شمال شرقی سوریه را که محل استقرار گردان هفدهم ارتش سوریه می‌باشد، کاملن به دست نیروهای این گروه افتاده است.

لازم به ذکر است که هسته‌ی اولیه گروه داعش از مزدورانی تشکیل شده است که قبلن با عنوان القاعده در عراق عمل می‌کردند و سپس نام خود را به "امارت اسلامی عراق" تغییر دادند. این جریان، با آغاز جنگ در سوریه وارد این کشور شده و در درگیری علیه رژیم بشار اسد شرکت می‌کنند. این گروه با به دست‌گیری مناطقی در سوریه و عراق و تسلیم موصل، دومین شهر بزرگ عراق، نام خود را به "امارات اسلامی عراق و شام" و متعاقبن به "دولت اسلامی" تغییر داده و در روز جمعه ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴، خود را کشوری مستقل اعلام می‌کند. القاعده نیز پشتیبانی خود را از گروه داعش با عنوان "قهرمانان امارات اسلامی" رسمن اعلام نموده است.



واشنگتن قرار است تحت برنامه‌ی فروش خارجی تجهیزات نظامی، به بغداد پانزده میلیارد دلار تجهیزات نظامی بفروشد." (بی بی سی)

"آمریکا یازده میلیارد دلار سلاح به قطر می‌فروشد. این بزرگ‌ترین قرارداد فروش سلاح آمریکائی در سال جاری است." (بی بی سی، ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۴)

با توجه به وضعیتی که توسط نیروهای ارتجاعی یعنی امپریالیسم و ایادی محلی و منطقه‌ئی آن در عراق شکل گرفته است، گُردهای شمال عراق نیز از فرصت پیش‌آمده استفاده کرده و کنترل استان نفت‌خیز کرکوک را که از سال ۲۰۰۳ تاکنون همواره یکی از موارد مهم مورد اختلاف آنان با دولت مرکزی عراق بوده است را به دست می‌گیرند.

۲۵ ژوئن، احزاب سیاسی کردستان عراق، حزب دموکرات کردستان (بارزانی‌ها) و اتحادیه‌ی میهنی کردستان (طالبانی‌ها)، اختلافات خود را کنار گذاشتند و یک دولت محلی متحد را تشکیل دادند.

۲۹ ژوئن، نخست وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو طی سخنرانی در دانشگاه تل‌آویو اعلام می‌کند که اسرائیل از ایجاد گُردستان مستقل پشتیبانی خواهد کرد. مشخص است که یکی از دلائل این موضع دولت صهیونیستی دست‌نشانده امپریالیست‌ها، تمایل و خواست همیشه‌گی آن یعنی کوچک، پراکنده و تضعیف‌شدن رقبا و "دشمنانش" در همسایه‌گی و منطقه است.

دولت خودگردان گُردستان در عراق به رهبری مسعود بارزانی، در اول ژوئیه ۲۰۱۴، تلویحاً عنوان نموده است که خواهان استقلال گُردستان از طریق یک همه‌پرسی در مناطق گُردنشین است.

به هر حال، اگر این امر به این شکل و بدین ساده‌گی به‌وقوع بپیوندد، با توجه به این که مسئله‌ی گُرد در سطحی منطقه‌ئی مطرح است، این موضوع خود حاکی از ↓

خواد داد و "هرگز در عراق و منطقه آرامش برقرار نخواهد شد."

جان کری، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا می‌گوید که "باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا در این مورد، به وقت خود تصمیم خواهد گرفت."

ویلیام هیگ، وزیر امور خارجه‌ی انگلستان می‌گوید: "کشورش قصد هیچ‌گونه مداخله‌ی نظامی در عراق را ندارد."

یکی از رهبران سنی در حال جنگ با داعش می‌گوید "شورشیان، تسلیحات پیشرفته‌تر و سنگین‌تری از ارتش عراق دارند (بی بی سی). سؤال ساده‌ای که در این رابطه می‌توان مطرح ساخت این است که این "تسلیحات پیشرفته‌تر و سنگین‌تر از ارتش عراق" چگونه به دست گروه "داعش" افتاده است؟ چیزی که مسلم است این "تسلیحات پیشرفته‌تر و سنگین‌تر از ارتش عراق" از آسمان نیاریده است، بلکه همان "امدادهای غیبی" ای هستند که توسط دولت امپریالیستی آمریکا در اختیار "داعش" قرار گرفته‌اند. بسیاری از فرماندهان ارتش عراق در مناطق به تصرف درآمده توسط "داعش"، صریحاً اعلام نموده‌اند که از بالا به آن‌ها دستور عدم مقاومت و خلع سلاح در برابر نیروهای "داعش" را داده بودند!

به هر حال، پیشروی گروه "داعش" هیچ نفعی که برای سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا نداشته باشد، همین قدر کافی است که:

"با ادامه‌ی درگیری‌های عراق، قیمت نفت خام و ارزش دلار در معاملات جهانی در روز جمعه ۱۳ ژوئن افزایش یافت." (بی بی سی)

"اوائل امسال که "داعش" فلوچه را تصرف کرد، آمریکا روند فروش تجهیزات نظامی به عراق را سرعت بخشید. از جمله فروش پانصد موشک هوا به زمین، بیست و چهار هلیکوپتر تهاجمی، شانزده جنگنده‌ی اف شانزده و یک سری تجهیزات نظامی دیگر به عراق را آغاز کرد.



## تنش گسترده در عراق و پیگیری نقش خاورمیانه بزرگ!

ادامه از صفحه ۱

تصرف گام به گام بعضاً شهرها و مناطق تحت تسلط دولت عراق و کشتار بی‌رحمانه‌ی مردم، حکایت از رخداد تازه‌ای در عراق تخریب شده دارد. این دور جدید تنش و برقراری نظم نوین جهانی دل‌بخوای امپریالیست‌ها و بویژه امپریالیزم امریکا در چهارچوبه‌ی "برقراری خاورمیانه بزرگ" است. هدف، تقسیم، تکه پاره نمودن و تجزیه کشورهای هم‌چون عراق است. تکه پاره و در هم ریخته‌گی قومی - قبیله‌ای که، این بار تجلی خود را در سرزمین آتش و خون و در سرزمین تحت سیطره‌ی دولت‌های امپریالیستی و حامیان‌شان، به‌نمایش گذاشته است.

حقیقتاً که اسناد و تحرکات بسیار زیادی در این چند دهه پیرامون سر در آوردن جریانات و نهادهای وابسته به سرمایه وجود دارد و دنیای انسانی و بویژه منطقه‌ی خاورمیانه، اصلاً و ابداً با عروج فی‌البداهه‌ی این‌دست نیروها و دسته‌جات مسلح و ارتجاعی بیگانه نیست؛ نیروها و دسته‌جاتی که هدف و نیت اساسی‌شان، تخطئه‌ی جنبش‌های اعتراضی و هم‌چنین، هموار نمودن هر چه بیش‌تر چپاول‌گری حاکمان بین‌المللی‌ست. و فراموش نه شده و از یادها نرفته است که چگونه طالبان در افغانستان و آن‌هم در دوره‌ای بر مسند قدرت تکیه زد و بر دامنه‌ی تخریب و فقر و نداری میلیون‌ها انسان در بند فزود؛ از یادها نرفته است که چگونه نیروهای گرد عراقی و هم‌چنین با کدامین تسلیحات نظامی و حمایتی، شمال این کشور را گام به گام، تحت تصرف خود در آوردند و در مدتی کوتاه و به یاری دیگر عناصر و نیروهای وابسته به سرمایه، صدام را از کار بر کنار نمودند؛ از یاد نرفته است که چگونه نیروهای مسلح و ↓

آن خواهد بود که تغییر و تحولات ارتجاعی بیش‌تری به خصوص در سطح ژئوپولیتیک یا جغرافیای سیاسی منطقه‌ی خاورمیانه از سوی قدرت‌های امپریالیستی در راه است.

بدون تردید تحولات ارتجاعی و ضدخلقی اخیر در عراق و منطقه، خصوصاً با توجه به غیاب نیروهای انقلابی کمونیست و مترقی، یقیناً نه تنها چشم‌انداز روشنی را پیش روی توده‌های این منطقه قرار نمی‌دهد، بلکه آتش اختلافات قومی، مذهبی و قبیله‌ئی را هرچه بیش‌تر شعله‌ور و میزان قتل و کشتار و بی‌خانمانی و آواره‌گی توده‌های محروم و زحمتکش را فزون‌تر و در یک کلام روزگار آنها را سیاه‌تر خواهد نمود.

امپریالیست‌ها براساس شرایط بین‌المللی، با راه‌اندازی جنگ‌های مستقیم و نیابتی، سیاست‌های ظالمانه و ضدخلقی خویش را در مناطق مختلف جهان به پیش می‌برند و به گواه تاریخ تنها نیروی انقلابی که توان ایستاده‌گی در برابر آن را دارد یک جنبش کمونیستی منسجم و قوی جهانی، منطقه‌ئی و یا حداقل کشوری‌ست که قابلیت و توانائی بسیج و تسلیح توده‌های کارگر و زحمتکش را داشته باشد. متأسفانه در شرایط کنونی چنین جنبشی وجود ندارد، اما از آن‌جا که هنوز عناصر، محافل و جریانات مدعی کمونیست وجود دارند، لذا وظیفه‌ی عاجل آن‌ها، ضمن افشای سیاست‌ها و دسیسه‌های ضدخلقی امپریالیست‌ها در همه‌ی عرصه‌ها، تقویت و انسجام صفوف خویش در راه ایجاد چنین جنبشی، جهت سازماندهی و تسلیح توده‌های خلق در راستای انقلاب و منکوب نمودن امپریالیست‌ها و ایادی‌شان می‌باشد.

تعرض، جوهر سیاست پرولتری است!

مرگ بر امپریالیسم و سگ‌های زنجیری‌اش!



سرمایه از جان و مال کارگران و زحمت‌کشان دارد؛ نیاز به بر طرفی نقصان‌ها و پُر نمودن تپه چاله‌های جنبش‌های اعتراضی و رادیکال دارد؛ نیاز به تغییر تصاویر به رسم شده‌ی کنونی سرمایه‌داران بین‌المللی دارد؛ نیاز به عروج و عرض اندام سازمان‌های کمونیستی سالم و متعلق به مردم دارد؛ سازمان‌ها و نیروهای کمونیستی‌ای که در تقابل با تعرضات بی‌شمار و مخرب‌زای دشمنان کارگران و زحمت‌کشان ایستاده‌گی نموده و یکی پس از دیگری را به جایگاه حقیقی‌شان پرتاب نمایند. چرا که داعش و هم‌ه‌ی حاکمین منطقه‌ی خاورمیانه دارند از آب‌شخور واحدی تغذیه می‌شوند و هیچ‌یک از آنان تفاوت ماهوی‌ای با دیگری نداشته و ندارند.

با این اوصاف نه دولت‌مردان عراق مدافع‌ی مردم‌اند و نه دسته‌جات مسلح و متفاوتی هم‌چون داعش. جنگ تضاد منافع بر سر سهم‌خواهی هر چه بیش‌تر و هم‌چنین روان‌تر نمودن سیاست‌های امپریالیستی در منطقه است و مسلم است که علم شدن دسته‌جات مسلح و ارتجاعی‌ای هم‌چون داعش، با توافق و با هدایت بی‌چون و چرای امپریالیست‌ها و بویژه امپریالیسم امریکاست. این دست، دسته‌جات و جریانات، دست‌سازاند و وظیفه‌ی‌شان پی‌گیری نقشه‌های شوم قدرت‌مدارات بین‌المللی در منطقه‌ی خاورمیانه است. داعش پی‌گیر همان برنامه و سیاستی‌ست که طالبان و القاعده و النصر و الشاباند و به‌عینه دریافت شده است که عروج و حکمیت این‌گونه دسته‌جات و آن‌هم در دوره‌های متفاوت، بر ناهنجاری‌ها و بر فلاکت توده‌های محروم افزوده است و زیر ساخت‌های جامعه را به مسیر نابودی سوق داده است. بنابر این تحرک آنان نه تنها ربطی به خواسته‌های پامال شده‌ی مردم محروم ندارد، بلکه رسالت‌شان گسترده‌گی نامنی‌ها و پی‌گیری سیاست‌های شوم امپریالیست‌ها در منطقه است.

یگانه راه و علاج کار، در سد نمودن راه و روش دسته‌جات وابسته و مسلح‌ای هم‌چون داعش، و هم‌چنین در عروج سازمان‌ها و نیروهای کمونیستی سالم، عمل‌گرا و با برنامه می‌باشد؛ سازمان‌ها و نیروهای عمل‌گرائی که نقشه‌های شوم امپریالیست‌ها را عقیم سازند و جامعه را از شر سودجویان و تمامی دسته‌جات مسلح و ارتجاعی پاک نمایند.

شباهنگ راد

وابسته به سرمایه‌های بین‌المللی، شالوده‌ی زنده‌گانی مردم لیبی و سوریه را از هم پاشاندند و هزاران انسان بی‌دفاع را به مسلخ مرگ کشانده‌اند و میلیون‌ها تن دیگر را از خانه و کاشانه‌ی‌شان آواره نموده‌اند.

باری بروز چنین رخ‌دادهای فاجعه‌بار و غم‌انگیز نایاب نیستند و جهان و بویژه مردم منطقه‌ی خاورمیانه نه تنها در گذشته شاهد عروج و قدرت‌گیری این‌گونه تجمعات و نیروهای مسلح و ارتجاعی بوده‌اند، بلکه در آینده هم، نظاره‌گر دسته‌جات مسلح و ارتجاعی وابسته به سرمایه و آن‌هم با شکل و شمایل دیگری خواهند بود. این آن دنیائی‌ست که سرمایه‌داران در پی آنند و با وحشی‌گری تمام، دارند سرنوشت کارگران و زحمت‌کشان جهان و منطقه‌ی خاورمیانه را رقم می‌زنند. تعرض به بی‌قوله‌های توده‌های محروم و راه‌اندازی جنگ‌های ارتجاعی، از یک‌طرف دارد جان تازه‌ای به حاکمان و منفعت‌طلبان می‌دهد و از طرف دیگر دارد، دامنه و میدان تعرضات رادیکال افاشار محروم جامعه را محدود و محدودتر می‌سازد. اساساً سرمایه‌داران، مخالف امنیت و آسایش جامعه و زنده‌گانی مردم‌اند و بی‌دلیل و بی‌مناسبت هم نیست که سیاست راه‌اندازی جنگ گسترده‌تر و وسیع‌تر، و هم‌چنین آواره‌گی هر چه بیش‌تر مردم را، در سر لوحه‌ی کار خود قرار داده‌اند. به بیانی حقیقی گسلیل گله‌وار دسته‌جات مسلح و مرتجع‌ای هم‌چون داعش، در پاسخ به ضرورت‌ها و در پاسخ به نیازهای امروزی سرمایه‌داران بین‌المللی‌ست. می‌دانند و بر این ایده‌اند که کوچاندن مردم از خانه و کاشانه‌ی‌شان، دامنه‌ی اعتراضات علنی و سازمان‌یافته‌ی رادیکال را، محدود و انقلابات احتمالی را به عقب خواهد انداخت. بر مبنای چنین منفعت و سیاستی‌ست که دارند تصاویر سیاسی جوامعی متفاوت را این‌گونه ترسیم می‌نمایند و نیروها، دسته‌جات و عناصر وابسته به خود را به جان مردم می‌اندازند.

متأسفانه چنین سیاست مخرب‌زا و دردناک، بر کل منطقه‌ی خاورمیانه سیطره انداخته است و روز به روز دارد هزاران انسان را کوچ می‌دهد و جان هزاران تن دیگر را می‌گیرد.

در یک کلام و پُر واضح است که پی‌گیری سیاست تخریب، راه‌اندازی دسته‌جات مسلح و ارتجاعی در خدمت به جهان انسانی نیست و دنیای بشریت، نیاز به تغییر سیاست حاکم و هم‌چنین، نیاز به پس زدن تمامی دسته‌جات وابسته و مسلح

ضد سرمایه‌داری آنان نهفته است. یعنی ترس آنان (که نئولیبرال‌ها نیز در آن سهیم‌اند) از سیاسی‌شدن توده‌ها که ممکن است به آن چیزی منجر گردد که در حال حاضر از آن به عنوان "دوره‌ی دوم انقلاب سوسیالیستی" یاد می‌شود که می‌تواند ابزار تولید و دولت را تحت کنترل مستقیم مجامع اشتراکی کارگران قرار دهد.

به جای آن، اُروآسیائی‌ها مدل جامعه و دولت به اصطلاح صنفی-سندیکالیستی را پیشنهاد می‌کنند که بر پایه‌ی اصول مختلط و استنتاج‌شده از ایده‌های قرن نوزدهم بنا شده و آن را از جناح محافظه‌کار طرفداران فرهنگ اسلاو، داستایوفسکی و ایدئولوژی رسمی امپراطوری روسیه به عاریت گرفته‌اند. یک مدل جامعه‌ای را تجسم می‌کند که مبتنی بر نظم شدید سلسله‌مراتبی طبقات (با تخصیص امتیازات ویژه بر اساس اهمیت هر طبقه برای دولت) است و با روحیه‌ی احترام متقابل و هم‌آهنگی برادرانه زیست خواهد کرد و ارتش و سرویس امنیتی نیز طبقات جداگانه‌ای را تشکیل خواهند داد.

اقتصاد به وسیله‌ی کارتل‌های بسیار بزرگ که مکمل هم خواهند بود تا رقیب یکدیگر، به انقیاد در خواهد آمد و نهایتاً طبقه‌ی سیاسی جدیدی از تکنوکرات‌های ایده‌آلیست ملی‌گرا به وجود خواهد آمد که بنابر شایستگی و لیاقت‌شان از همه‌ی طبقات به خدمت گرفته می‌شوند. طبقات، کارتل‌ها و شایسته‌سالاری تکنوکراتیک باهم به شکلی هم‌آهنگ در اقدامی استراتژیک برای فرامردن‌سازی و پیشرفت تکنولوژیکی، که اتحاد اُروآسیائی را قادر خواهد ساخت تا رسالت مسیحانی‌اش را به کمال رساند، مشارکت خواهند کرد. رسالتی که عبارت است از رهائی جهان از قید تمدن مکانیکی فاقد معنویت غربی و هدایت کردن آن به سوی عصر "انسان‌گرایی جدید"، که ظاهرش به معنای انعکاسی از دولت برادرانه‌ی "صنفی-سندیکالیستی" در مقیاسی جهانی است.

اُروآسیائیسیم شاید همچون یک عقب‌گرد فرهنگی ناامیدانه به مدینه‌ی فاضله‌ی منسوخ‌شده‌ی توازن اجتماعی در دل جامعه‌ای غیردموکراتیک و استثمارگر باشد. اما در پس پندار متافیزیکی بد اُروآسیائی‌ها، آلترناتیو معتدل و شاید قابل‌دوامی، برای توسعه‌ی ملی، نهفته است، چیزی که سمیر امین (Samir Amin)، آن را "انتخابی برای صف‌بندی‌مجدد حول زوجین تکنوکراسی دولتی-سرمایه‌داری ملی می‌نامد." (۴)

سیاست "توازن اجتماعی" اُروآسیائی به‌طور عینی به دنبال سرکوب‌نمودن و یا دست‌کم به طرز مؤثری کم کردن تضاد طبقاتی در مقیاس ملی، جهت ایجاد شرایط مناسب‌تر برای انباشت اتوماتیک‌وار سرمایه می‌باشد تا بدین وسیله سرمایه‌ی ملی را قادر به رقابت در سطح جهانی نماید. نمونه‌ای ↓

## ایدئولوژی فرمانروایان روسیه در سال ۱۹۹۵:

### غرب‌گرایان و اُروآسیائی‌ها

ادامه از صفحه‌ی ۱

نویسنده: ولادیمیر بیلنکین

ترجمه: پویان کبیری (قسمت دوم)

چنین اتحادیه‌ای نمی‌تواند بر پایه‌ی مدل غربی سرمایه‌داری، به خاطر بنیان‌های فرهنگی اروپامحوری‌اش که اُروآسیائی‌ها آن‌ها را خودمحوربینی، منطق‌گرایی و ماده‌گرایی تعریف می‌کنند، بنا شود. در عوض، آن‌ها خواهان بازگشت به "ارزش‌های سنتی" هستند که گفته می‌شود وحدت عظیم قومی مردمان اُروآسیائی را طی هزارسال تاریخ مشترک مفروض‌شان قوت بخشیده است. برخلاف غرب‌گراها، اُروآسیائی‌بان مردمانی جمع‌گرا، مستعد برای خلق اسطوره و اشکال مذهبی خودآگاهی هستند و ارزش‌های معنوی را بیش از ارزش‌های مادی ارج می‌نهند. همه‌ی این قوم‌محوری اساطیری برای اثبات این به کار گرفته شده است که:

**الف** - آن بخش از جامعه‌ی انسانی که در سرزمین اتحاد شوروی سابق اسکان دارد، بنابر قوانین یا عقلائییت مخصوص به خودش موجودیت دارد و اساساً متفاوت از آن‌هایی‌ست که در غرب‌اند.

**ب** - مدل اُروآسیائی توسعه‌ی سرمایه‌داری ملی را بر اساس جنبه‌های داخلی و جغرافیای سیاسی‌اش توجیه نماید.

اُروآسیائی‌ها به درستی بر این نکته انگشت می‌گذارند که مدل نئولیبرالی انتقال به سرمایه‌داری، اختلافات اجتماعی عمیقی در صفوف طبقات به وجود می‌آورد که احتمالاً به جنگ داخلی بیانجامد. همان‌طور که یکی از ایدئولوگ‌های برجسته‌ی آنان استدلال می‌کند خطر اصلی اصلاحات نئولیبرال عبارت از آن است که "آن‌ها تضادهای طبقاتی را عمیق‌تر می‌سازند و به همین دلیل ضرورت آگاهی طبقاتی و رادیکالیسم ایدئولوژیک را برمی‌انگیزانند و این به‌طور قطع سرانجام به رویارویی بین اتحاد چپ با جهت‌گیری سندیکالیستی و اتحاد راست با خصلت طرف‌داری از فاشیسم خواهد انجامید." (۳)

این استدلال و گفته‌های شبیه به آن، بیان‌گر نگرانی هرچه عمیق‌تر اُروآسیائی‌ها می‌باشد که در پس شعارهای ضدغربی و گاهن



## گرامی باد خاطره‌ی شهدای تیر و مرداد چریک‌های فدائی خلق ایران!



گفتنی از در خدمت سرمایه‌ی ملی بودن ایدئولوژی آروآسیائی، کمپین تبلیغاتی کارتل "هرمس" (Hermes) می‌باشد که منافع عظیمی در صنعت نفت دارد و به بالاترین رده‌های بوروکراسی دولتی متصل است. کارتل "هرمس" خودش را به‌عنوان کمپانی مردم توصیف می‌کند که از منابع ملی نفت در برابر کمپانی‌های چندملیتی دفاع کرده و از طریق روحیه‌ی سنتی "سوبورنوست" (Sobornost) [یعنی نهادی دسته‌جمعی برپایه‌ی عشق متقابل همه به مسیح] و ضدیت با فردگرایی، این منابع را توسعه می‌دهد. (۵)

## یادداشت‌ها:

- ۳- سرگئی کورگینیان (Sergei Kurginian)، سناریوی هفتم، قسمت ۳
- ۴- (مسکو، سال ۱۹۹۲)، صفحه‌ی ۱۴۶.
- ۵- سمیر امین (Samir Amin)، قطع ارتباط: به‌سوی جهانی چندقطبی، ترجمه‌ی مایکل ولفرس (لندن: کتاب‌های ضد (Zed Books)، ۱۹۹۰)، صفحه‌ی ۲۳.
- ۶- والری نوروف (Valery Neverov)، مدیرعامل شرکت هرمس (Hermes)، "نفت و ایدئولوژی"، پراودا، ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۴.

ادامه در شماره‌ی بعد

★ مقالات بدون امضاء از سوی شورای نشر به می‌باشند. ★

برای ارتباط با ما، با آدرس‌های زیر تماس بگیرید:

Post: Postbus 10492  
1001 EL Amsterdam, Nederland  
TEL.: +31 624 797 133  
E-Mail: pouyan@19bahman.ne  
Web site: <http://www.19bahman.net>

با کمک‌های مالی خود و ارئهی هر گونه سؤال، نظر، انتقاد و پیشنهاد، ما را در انجام وظائفمان یاری رسانید.

## رفقای گرامی!

با ارسال مقالات و مطالب خود، ما را در غنای بیش‌تر نشریه یاری رسانید. بدیهی است، مطالبی در نشریه منتشر خواهند شد که در راستای اهداف و وظائف مبارزاتی سازمان ۱۹ بهمن قرار داشته باشند. از اصلاح املاتی و اثناسی مطالب رسیده معذور می‌باشیم.

جاودان باد یاد اندیشمند کبیر پروتاریای جهان!



زنده باد انقلاب! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه‌ی کارگر! زنده باد کمونیسم!